

Qur'anic Interpretation and language

Open Access

ORIGINAL ARTICLE

Discourse Analysis of Surah Al-Waqi'ah Based on Grimas Tension Pattern

Azadeh Abbasi

Assistant Professor, Department of Quran, Faculty of Qur'an and Hadith, University of Qur'an and Hadith, Tehran, Iran

Correspondence

Azadeh Abbasi

Email: Abbasi.a@qhu.ac.ir

How to cite

Abbasi, A., (2023). Discourse Analysis of Surah Al-Waqi'ah Based on Grimas Tension Pattern. Journal of Qur'anic Interpretation and language, 11(2), 129-143.

ABSTRACT

Today, utilizing up-to-date knowledge is an important way to analyze religious texts. The linguistic structure of the Qur'an is such that it uses the best ways to convey the message. "Semiotics" studies with different approaches are among the most up-to-date knowledge in the contemporary world. The structure of the stress pattern is one of the semiotic patterns related to the post-Greek period. In this approach, signs are linked together with concepts and meanings and become fluid and dynamic categories. The present study aims to use a descriptive-analytical approach to investigate the formation of the discourse process in Surah Al-Waqi'ah using a tension model. Surah Al-Waqi'ah is considered in terms of its special context. In this surah, the narrator, in repetitive contexts, structurally draws the narrator to his discourse space. This means that the contexts of the surah have a repetitive pattern. In all of them, it seems that the speech starts with high emotional pressure and moves towards the expansion of the world of utterances and cognitive horizons, following a downward pattern.

KEYWORDS

Semiotics, Tension Pattern, Stress Analysis, Surah Al-Waqi'ah.



دوفصلنامه علمی

پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن

«مقاله پژوهشی»

تحلیل گفتمانی سوره واقعه بر اساس الگوی تنشی گریماس

آزاده عباسی

چکیده

امروزه بهره‌گیری از دانش‌های روزآمد، روشی مهم برای تحلیل متون دینی مذهبی به‌شمار می‌آید. ساختار زبانی قرآن، به‌نحوی است که از بهترین مسیرها برای انتقال پیام بهره برده‌است. مطالعات «نشانه‌شناسی» با رویکردهای متفاوت از جمله دانش‌های روزآمد در دنیای معاصر است. ساختار الگوی تنشی، یکی از الگوهای نشانه‌شناسی مربوط به دوران پساگریماسی است. در این رویکرد، نشانه‌ها همراه با مفاهیم و معانی پیوند برقرار کرده و به مقولاتی سیال و پویا تبدیل می‌شوند. پژوهش حاضر برآنست تا با رویکرد توصیفی-تحلیلی، چگونگی تشکیل فرآیند گفتمان در سوره واقعه را با بهره‌گیری از الگوی تنشی بررسی کند. سوره واقعه به لحاظ سیاق‌بندی خاص و تکرار شونده‌ای که دارد که دارد مورد توجه است. در این سوره گفته‌پرداز در سیاق‌های تکراری به لحاظ ساختاری گفته‌یاب را به‌دنبال فضای گفتمانی خود می‌کشد. به‌نظر می‌رسد در همه آن‌ها سخن با فشار عاطفی بالا شروع شده و به سمت گسترش فضای جهان گفته‌ای و افق‌های شناختی پیش‌رفته و از الگویی نزولی تبعیت می‌کند لذا مطالعه سوره واقعه با بهره‌گیری از الگوی تنشی گریماس می‌تواند نشانگر آنست که قرآن از شیوه‌ای منحصربه‌فرد برای انتقال مفاهیم بهره برده‌است.

واژه‌های کلیدی

نشانه‌شناسی، الگوی تنشی، تحلیل تنشی، سوره واقعه.

استادیار، گروه قرآن، دانشکده قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث، تهران، ایران

نویسنده مسئول:

آزاده عباسی

رایانامه: Abbasi.a@qhu.ac.ir

استناد به این مقاله:

عباسی، آزاده. (۱۴۰۲). تحلیل گفتمانی سوره واقعه بر اساس الگوی تنشی گریماس، دوفصلنامه علمی پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، ۱۱(۲)، ۱۲۹-۱۴۳.

<https://quran.journals.pnu.ac.ir/>

مقدمه

امروزه پیشرفت سریع علوم نوین همچون دانش نشانه‌شناسی امکاناتی را پدید آورده که موجب شده‌است مطالعه زبان دین و متون دینی وارد مرحله نویی شده و افق‌های معنایی جدیدی فراروی پژوهشگران و قرآن‌پژوهان قرار گیرد. بهره‌گیری از دانش‌های نوین موجب می‌شود از یک‌سو بتوان با استفاده از ظرفیت متون دینی دانش نشانه‌شناسی را بسط داد و از سوی دیگر زمینه‌های نو و روش‌های روزآمد را در تحلیل متون دینی بوجود آورد. بر این پایه، پژوهش حاضر مطالعه‌ای میان‌رشته‌ای در فضای پژوهش‌های قرآنی و نشانه‌شناسی نوین است و از نظر روشی، در صدد است «الگوی تنشی» را در فضای نشانه‌ای قرآن (سوره واقعه) بررسی کند. این پژوهش به دنبال تکرار مکررات سوره واقعه یا ارائه‌ی تفسیری نوپدید از این سوره نیست. از این رو در این نوشتار سعی بر آن است تا با بهره‌گیری از علم نشانه‌شناسی و نیز با التفات به متن قرآن کریم، به عنوان یک متن موثق دینی و همچنین برخی از گزاره‌های موجود در تفاسیر، گفتمان موجود در سوره واقعه را بر پایه الگوی تنشی مورد مطالعه قرار دهد. مطالعه تنشی گفتمان مبتنی بر بررسی تعامل بین گستره‌ها^۱ و فشاره‌های^۲ گفتمانی است (شریفی و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۹). این فشاره‌ها و گستره‌ها خود را در طول گفتمان نشان می‌دهند. مطالعه طرحواره‌های تنشی نشان می‌دهد چگونه دوگونه شناختی و عاطفی در تعامل باهم سبب تولید معنا می‌شوند (شریفی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۱).

این پژوهش به دنبال یافتن پاسخی برای این پرسش است که گفتمان سوره واقعه چگونه باعث ایجاد فضای تنشی و سیالیت معنا و ایجاد و هدایت جریان حسی ادراکی و عاطفی می‌شود؟ هدف از پی‌جویی این سوال آنست که افزون بر ارائه الگوی تنشی برای سوره واقعه و بررسی نظام تنشی این سوره، وجه عاطفی گفتمان و چگونگی تأثیرگذاری این نظام بر مخاطب قرآن را تبیین نماید. سیاق‌بندی منسجم و خاص سوره واقعه به تحلیل محورهای تنشی متن سوره در دو سطح کلی و جزئی کمک می‌کند.

پیشینه پژوهش

در یادکرد از سابقه این پژوهش دو گروه از تحقیقات پیشین شایسته بررسی هستند. دسته اول مطالعاتی که پیرامون سوره واقعه انجام شده و دسته دوم مطالعاتی که مبتنی بر الگوی

تنشی به سرانجام رسیده‌است.

دسته اول: پژوهش‌های انجام‌شده با ویژگی تمرکز بر روی سوره واقعه پرشمارند. برای نمونه می‌توان به مقاله «آسیب‌شناسی زبان شناختی ترجمه‌های قرآن (مطالعه موردی سوره واقعه)» نوشته خلیل پروینی و همکاران که در شماره ۲۶ مجله پژوهش دینی سال ۱۳۹۲ چاپ شده‌است. همچنین پژوهش بعدی مقاله «آشنایی‌زدایی و برجسته‌سازی در سوره مبارکه واقعه» است که توسط هومن ناظمیان نوشته شده و سال ۱۳۹۳ در شماره ۱۰ مجله زبان و ادبیات عربی چاپ شده‌است. افزون بر این مقاله «سبک‌شناسی سوره واقعه بر اساس تحلیل زبانی» نوشته پرویز آزادی و همکاران اشاره کرد که سال در ۱۳۹۷ شماره ۱۳ مجله پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن چاپ شده‌است.

دسته دوم از جستارهای انجام‌شده نشان می‌دهد که چند مقاله مبتنی بر الگوی تنشی در حوزه مطالعات قرآنی انجام شده‌است. برای نمونه مقاله «از کرامت جاهلی تا کرامت قرآنی؛ نشانه‌شناسی فرآیندهای گفتمانی «کرامت» در قرآن با تکیه بر الگوی تنشی» که توسط هادی رهنما نوشته و در سال ۱۳۹۲ مجله پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن به چاپ رسیده‌است. دیگر مقاله نگارش شده در این زمینه مقاله «تحلیل نشانه‌شناختی گفتمانی سوره الرحمن (مبتنی بر الگوی تنشی)» است که توسط حدیث شریفی و فؤاد نجم‌الدین نگارش شده و در پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن در سال ۱۳۹۳ به چاپ رسیده‌است. پژوهش بعدی مقاله «تحلیل فرآیندهای گفتمانی در سوره «قارعه»، با تکیه بر نشان‌شناسی تنشی» است که در سال ۱۳۹۴ توسط احمد پاکتچی، حمیدرضا شعیری و هادی رهنما در مجله جستارهای زبانی چاپ شده‌است. پژوهش دیگر مقاله «تحلیل نشانه‌شناختی گفتمان در سوره «نبا» بر اساس الگوی تنشی» است که توسط روح‌الله نصیری، مهدی مطیع و مهناز امیری نوشته شده و در مجله جستارهای زبانی در سال ۱۳۹۸ چاپ شده‌است.

واکاوای انجام شده نشان می‌دهد که تاکنون پژوهشی در خصوص تحلیل سوره واقعه با بهره‌گیری از الگوی تنشی نوشته نشده است. این پژوهش از آن جهت که نوعی مطالعه میان رشته‌ای و مبتنی بر شیوه‌ای نوین است از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مطالعه قرآن مبتنی بر الگوها و شیوه‌های روزآمد زمینه فهم دقیق‌تر و عمیق‌تر را فراهم می‌آورد. در ادامه برای دست‌یافتن به پاسخی دقیق برای پرسش‌های این پژوهش بایسته است در گام نخست ویژگی‌های سوره واقعه به اجمال بررسی شده و سپس فرآیند تنشی گفتمان به عنوان مبانی نظری کار به اختصار مورد مذاقه قرار بگیرد.

روش‌شناسی پژوهش

در این بخش نخست سوره واقعه که مبنای مطالعه این پژوهش است به صورت اجمال معرفی شده و سپس الگوی تنشی به عنوان یکی از الگوهای نشانه‌شناسی تبیین می‌گردد. لازم به ذکر است که شناخت تعداد آیات یک سوره و نیز زمان نزول آن در دستیابی به محتوای دقیق یک سوره مؤثر است و همچنین تفاوت‌های زیادی میان سور مکی و مدنی چه از حیث ساختار و چه از حیث محتوا وجود دارد دقت در زمینه‌شناخت مقدماتی یک سوره ضروری است.

سوره واقعه

این سوره در ترتیب مصحف کنونی سوره واقعه پنجاه و ششمین سوره است. در جایگاه این سوره در ترتیب نزول اختلافاتی وجود دارد (رک: زنجانی، ۱۴۰۴: ۶۳؛ معرفت، ۱۴۱۵: ۱/ ۱۳۶؛ خرمشاهی، ۱۳۷۷: ۲/ ۱۲۵۴). طبق نظر مشهور این سوره دارای ۹۶ آیه است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۹/ ۳۲۱). سوره واقعه به اتفاق، سوره‌ای مکی است (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۹/ ۱۹۹)؛ البته ذکر این نکته ضروری است که برخی این سوره را مدنی دانسته‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴/ ۴۵۵). توجه به این نکته ضروری است که نخستین و مهم‌ترین مقوله‌ای که گفته‌پرداز (خداوند متعال) در این سوره مطرح کرده؛ مسئله معاد و آخرت است. گفته‌یاب (مخاطبین) در این سوره کسانی هستند که در وقوع قیامت تردید دارند (قطب، ۱۴۱۲: ۶/ ۳۴۵۹). پس از سخنان اولین گفته‌پرداز به سه دسته شدن مردم در روز قیامت می‌پردازد و سرنوشت هریک از آنان را در سیاق‌های پی‌درپی توصیف می‌کند؛ بدین ترتیب در سیاق‌بندی کاملاً مشخص و معینی جهان گفته‌ای را گسترش می‌دهد تا از ابهام مخاطب بکاهد. این گسترش در بخش پایانی سوره با ذکر قسمی به قرآن کریم ادامه می‌یابد؛ در چند آیه پایانی، گفته‌پرداز سخن را دوباره به سه گروه ذکر شده در ابتدای سوره بازمی‌گرداند.

الگوی تنشی

نشانه‌شناسی تنشی که گاه از آن به الگوی تنشی نیز یاد می‌شود توسط ژاک فونتنی^۱ و کلود زیلبرگ^۲ در پژوهشی مشترک به نام «تنش و دلالت»^۳ معرفی گردید (رک: متن کتاب

مذکور). این الگو متعلق به گستره نشانه‌شناسی پساگرماسی^۴ است. الگوی تنشی از منظر دلالت، حاصل تلفیق میان مولفه‌های نظام تقابلی ارزش در الگوی «مربع نشانه‌شناسی» گریماس و فرآیند شکل‌گیری دلالت در «سطوح سه‌گانه دلالت» نزد پرس^۵ است بنابراین این الگو به نوعی، تکمیل الگوهای پیشین است. این الگو در بُعد دلالت معقول و محسوس را به یکدیگر متصل می‌کند. در این الگو سعی می‌شود که میان فضای تدریجی ظرفیت‌ها (پیوستگی‌ها) و فضای قطبی نشانه‌ها (ناپیوستگی‌ها) ارتباط معناداری ایجاد شود؛ بر این اساس، از دیدگاه نظریه دلالت، الگوی تنشی دارای نقش زمینه‌ای و اساسی و معرف «چرخش رویکرد نشانه‌شناسی از تقابل گسسته به تفاوت‌های تنشی و تدریجی» است (پاکتچی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۲) در حقیقت الگوی تنشی از دیدگاه نشانه‌شناسی گفتمان و تحلیل متون، ساختار و فرآیند تنشی گفتمان را ارائه می‌دهد.

در مقام تعریف، الگو، ساختار یا شاکله تنشی در حقیقت یک فضای میانجی است. فضایی که فاصله و گسست میان بعد کیفی فشاره‌ای (ناظر به درونی‌بودن) یا بعد کمی گستره‌ای (ناظر به فاصله‌ها و امتدادهای بیرونی) را پرمی‌کند (رهنما، ۱۳۹۲: ۳۰). این رابطه بر دو محور «فشاره» (محور عاطفی) و «گستره» (محور شناختی) قرار دارد. بر اثر تعامل بین دو گونه عاطفی و شناختی فرآیند تنشی شکل می‌گیرد. برای نشان دادن رابطه سیال و نوسانی، می‌توان از محور X و Y استفاده کرد. محور عمودی همان محور فشاره‌ای یا کیفی است و محور افقی همان گستره یا کمی است. از تعامل میان این دو محور ارزش شکل می‌گیرد (عباسی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶۷-۱۶۸) بر این اساس رابطه تنشی نوع حضور کسی در مطالعات نشانه‌ای است. عملکرد تنشی زمانی بوجود می‌آید که درون گفتمان دو شیوه حضور کنشگران براساس هم‌تنیدگی و هم‌آمیختگی دو نیروی کیفی کمی یا عاطفی شناختی وجود داشته باشد (شعیری، ۱۳۹۵: ۱۵).

چنان که ملاحظه می‌شود هریک از بردارها از نقطه شروع و تا سطح بیشینه امتداد می‌یابد؛ فشاره و گستره نیز در بازه‌ای از بیشینه و کمینه قابل تعریف هستند. «فشاره» در سویه بیشینه خود قوی و در سویه کمینه خود ضعیف است. همین‌طور است «گستره» در سویه بیشینه خود کثیر یا پرشمار است و در سویه

1. Jacques Fontanille
2. Claude Zilberberg
3. Tension & Signification

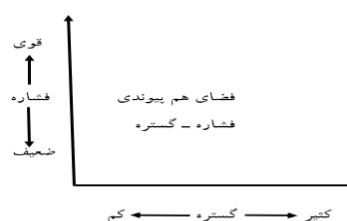
4. Post- Greimasian
5. Charles Pierce

فضای هم‌پیوندی «فشاره» و «گستره» افزون بر سطوح ترکیب‌بندی در برابر جهت تغییرات «فشاره» و «گستره» حساس است. دوگونه هم‌پیوندی براساس جهت تغییر گستره و فشاره از یکدیگر متمایز می‌شوند بنابراین اگر روند گستره و فشاره هم‌جهت است؛ یعنی اگر هر دو در جهت افزایش یا در جهت کاهش باشند، هم‌پیوندی مستقیم (همسو) شکل می‌گیرد و اگر روند دو بعد در دو جهت مخالف باشد، یعنی گستره کاهشی و فشاره افزایشی باشد، یا برعکس؛ هم‌پیوندی معکوس (ناهمسو) شکل می‌گیرد. بدین ترتیب در فضای تنشی، چهارگونه هم‌پیوندی فشاره گستره متصور است (پاکتچی و همکاران، ۱۳۹۴، به نقل از فونتانی، ۲۰۰۶: ۴۰).

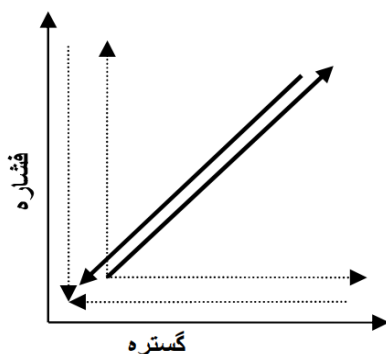
کمینه خود کم یا کم‌شمار است. با در نظر داشتن دلیل نام‌گذاری الگوی تنشی، «فشاره» بر تنش میان قوی- ضعیف و «گستره» بر تنش میان کثیر- کم بنامی‌شود.



شکل ۱. بردار فشاره و گستره

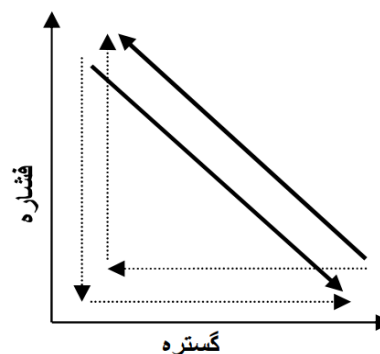


شکل ۲. فضای هم‌پیوندی فشاره و گستره



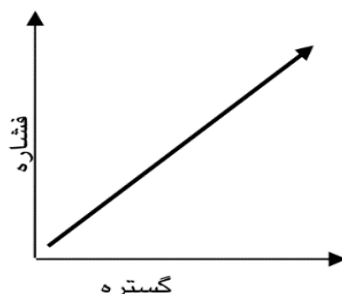
فرآیند هم‌پیوندی مستقیم (همسو)

شکل ۳. هم‌پیوندی همسو



فرآیند هم‌پیوندی معکوس (ناهمسو)

شکل ۴. هم‌پیوندی ناهمسو

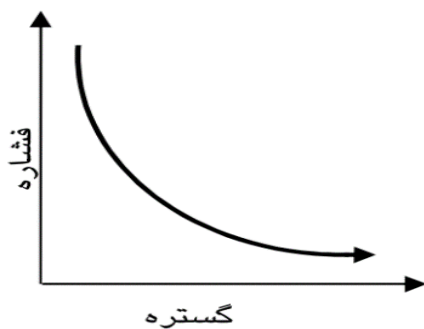


شکل ۵. الگوی تنشی افزایشی

چهارگونه هم‌پیوندی فشاره- گستره به شرح زیر متصور است (از فونتانی، ۲۰۰۶: ۳۹-۴۰):

۱. الگوی تنشی افزایشی^۱ که معرف افزایش همسوی فشاره و گستره است؛ به‌دیگر سخن این ساختار با افزایش هماهنگ فشاره و گستره (هم‌پیوندی مستقیم افزایشی) شکل می‌گیرد.

1. Amplification



شکل ۸. الگوی تنشی نزولی

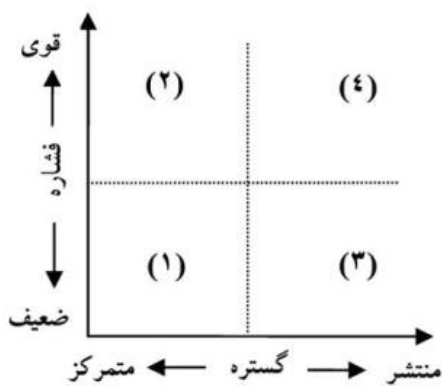
از ترکیب اصول ذکرشده چهار منطقه به‌عنوان مناطق قطب‌های نشانه‌معنایی زیر بوجود خواهد آمد:

- منطقه فشاره ضعیف و گستره متمرکز
- منطقه فشاره قوی و گستره متمرکز
- منطقه فشاره ضعیف و گستره منتشر
- منطقه فشاره قوی و گستره منتشر

این چهار منطقه را می‌توان در فضای تنشی به‌صورت زیر

تصویر می‌گردد: (فونتانی، ۱۹۹۸: ۳۹-۴۱)

از آنجاکه الگوی تنشی شیوه‌ای برای تحلیل یک متن به‌شمار می‌رود شناخت ابعاد گوناگون آن بودن تعیین یک متن امکان‌پذیر نخواهد بود لذا پرداخت مفصل‌تر به این الگو و ارائه نمونه‌هایی دیگر در این زمینه خارج از مجال این پژوهش است.



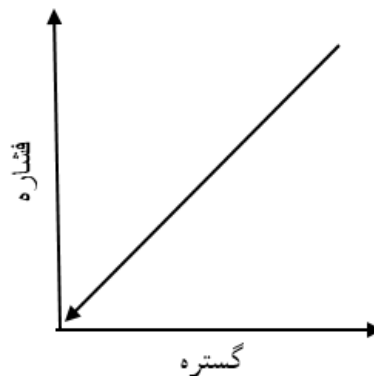
شکل ۹. مناطق قطب‌های نشانه-معنایی

یافته‌های پژوهش

تحلیل تنشی سوره واقعه

در ادامه براساس الگوی تنشی به تحلیل سیاق‌های گوناگون سوره واقعه پرداخته می‌شود. ذکر این‌نکته ضروری است که

۲. الگوی تنشی کاهشی^۱ که معرف کاهش همسوی فشاره و گستره است؛ به‌بیان‌دیگر این ساختار با فروکش هماهنگ فشاره و گستره (هم‌پیوندی مستقیم کاهشی) شکل می‌گیرد.



شکل ۶. الگوی تنشی کاهشی

۳. الگوی تنشی صعودی^۲ که معرف افزایش فشاره و کاهش گستره است؛ این بدان معنا است که در این ساختار بالا رفتن فشاره با محدود شدن گستره (هم‌پیوندی معکوس افزایشی) هم‌زمان روی می‌دهد.



شکل ۷. الگوی تنشی صعودی

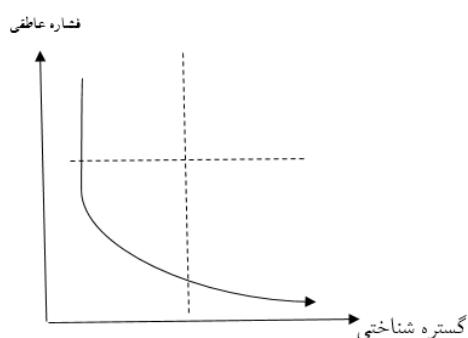
۴. الگوی تنشی نزولی^۳ که معرف کاهش فشاره و افزایش گستره است؛ به‌دیگرسخن، این ساختار با افت فشاره و باز شدن گستره (هم‌پیوندی معکوس) وقوع می‌یابد.

1. Attenuation
2. Ascendence
3. Decadence

بدین ترتیب در تلاش است تا هولناکی واقعه و اهمیت آن را نشان دهد (المراغی، بی تا: ۲۷/۱۳۲).

افزون بر آنچه ذکر شد در این مجموعه از آیات ضرب آهنگ خاصی مشاهده می شود که با مدلول مورد نظر هماهنگی دارد. واژه «واقعه» به دلیل رخ داد (مَد) و سپس (سکون) در آن بسیار شبیه به سقوط جسمی است که بالا برده و سپس رها شده است تا سقوط کند. این حس همان مدلولی است که در عبارت «خَافِضَةً رَافِعَةً» آورده شده است. البته این ضرب آهنگ در واژه «كَادِبَةٌ» نیز وجود دارد (قطب، ۲۰۰۷: ۲۶).

با تکیه بر آنچه بیان گردید می توان گفت که این مجموعه از آیات با فشاره عاطفی بالایی شروع شده و به سمت گسترش فضای جهان گفتمانی و افق های شناختی می رود.



شکل ۱۰. الگوی تنشی سیاق اول

گفته پرداز در راستای بسط جهان گفتمانی، ابژه هایی را بیان می کند که سبب افزایش بعد شناختی در گفتمانی آیه می شود. چنان که ملاحظه می شود مجدداً از اسلوب «إِذَا...» شرطیه و حذف جواب شرط بهره گرفته شده است: «إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا» یعنی وقوع واقعه ای که در آیات قبل بیان گردید به همراه زلزله هولناکی خواهد بود. این توضیح سبب افزایش بعد شناختی و نیز گسترش جهان گفتمانی می شود. علاوه بر این در راستای بسط شناختی جمله بعدی بیان می شود که «وَبَسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًا» یعنی شدت این زلزله به حدی است که کوه ها را به ذرات ریزی تبدیل خواهد.

به نظر می رسد گسترش فضای جهان در دو بعد صورت گرفته است. یکی توصیف اوصاف معنوی و دیگری اوصاف مادی! وقتی در مورد عدم امکان تکذیب و یا خفض و رفع سخن می گوید در حقیقت بانکیه بر اوصاف معنوی درصدد بسط

سوره واقعه دارای سیاق های مشخص با موضوعات مشخص است. در هریک از این سیاق ها، گفتمانی شکل می گیرد و گفته پرداز پس از اتمام سخن در یک سیاق به سراغ سیاق بعدی می رود؛ از این رو در این پژوهش هر سیاق به صورت مجزا مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد:

در سیاق ابتدایی یعنی ۴ آیه ابتدایی سوره واقعه تکثر ابژه ها و افق های شناختی و هم چنین گسترش فضای جهان گفتمانی به خوبی قابل مشاهده است. این آیات با عبارت «إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ» آغاز می شود. گفته پرداز با بیان خود را با جمله ای شرطیه آغاز می کند «وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ». بدون آن که جواب شرط خود را ذکر کند این شیوه، اسلوبی متداول برای آغاز کلام به شمار نمی آید (ماتریدی، ۱۴۲۶: ۹/۴۸۶). در اسلوب به کار برده شده آغازین، نوعی هراس افکنی به خاطر قیامت وجود دارد؛ در حقیقت از اسلوبی خاص تبعیت شده است که با مدلول عبارت هماهنگی دارد (قطب، ۱۴۱۲: ۶/۳۴۶۲). یعنی خاص بودن آن از این جهت است که واژه «واقعه» بر شدت هول در روز قیامت دلالت دارد (ابن جزی، ۱۴۱۶: ۲/۳۳۳). واژه «واقعه» صفتی است که با آن هر حادثه ای توصیف می شود و در این جا منظور واقعه قیامت است و از این کلمه برای نشان دادن شدت وقوع حادثه استفاده شده است (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۹/۳۸۴). در ادامه مخاطب به دنبال جواب شرط است اما جواب شرط به جهت تعظیم محذوف شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹/۱۱۶). یعنی شدت این واقعه آنقدر زیاد است که برای آن نظیری قابل تصور نیست (نهایندی، ۱۳۸۶: ۶/۱۴۱).

بدین ترتیب گفته پرداز وارد میدان شده و به دنبال این است که ذهن مخاطب را به چالش بکشد و سطح هیجان و کنجکاوی وی را افزایش دهد. مخاطب در حالت ابهام به سر می برد و رغبت بیشتری برای شنیدن دارد. سخن از وقوع یک حادثه مهم و بزرگ است اما معلوم نیست که کدام واقعه! و این خود ابهام به دنبال دارد. گفته پرداز در ادامه با بیان جملاتی جهان گفتمانی را گسترش داده و بیان می کند که «لَيْسَ لَوْقَعَتِهَا كَادِبَةٌ» و با این بیان تاکید می کند که در وقوع این واقعه هیچ تردیدی نیست. به نظر می رسد گفته پرداز درصدد گسترش فضای گفته ای و رفع تردیدهای بوجود آمده در مورد آیه قبل در خصوص امکان وقوع قیامت و بیان وقوع واقعه است. بدین ترتیب علاوه بر گسترش فضای جهان گفتمانی بعد شناختی نیز افزایش داشته است. در آیات بعد نیز این گسترش ادامه می یابد («خَافِضَةً رَافِعَةً») در حقیقت گفته پرداز شروع به وصف واقعه کرده است (سمرقندی، ۱۴۱۶: ۳/۳۹۰) و

بیان بر مبین دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹/۱۱۶). در مورد این که «اصحاب میمنه» چه کسانی هستند به اجمال می‌توان گفت منظور از ایشان کسانی هستند که اهل یمن و برکت هستند و به سعادت ابدی رسیده‌اند (رک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۹/۳۲۵).

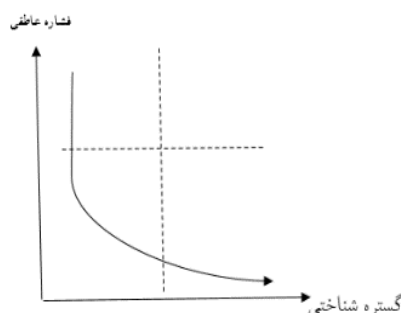
نکته شایان توجه آنست که در زبان عربی اسلوب «ما هم وأی شیء هم» برای بیان تعجب به کار می‌رود. چنان که ملاحظه می‌شود این اسلوب در این آیه و نیز آیه بعد به کار رفته (این قتیبه، ۱۴۱۱: ۱/۳۸۴) و بدین ترتیب سخن گفته‌پرداز در این عبارت با فشار عاطفی قوی همراه است.

در آیه بعد، گفته‌پرداز به توصیف گروه دوم از مردم می‌پردازد و برای بیان خود دقیقاً از همان اسلوب آیه قبل استفاده می‌کند: «وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ» این آیه در مورد اصحاب شومی و بدبختی سخن می‌گوید و همانند آیه قبل گفتگوها در مورد این که «اصحاب مشئه» چه کسانی هستند به اجمال می‌توان گفت ایشان کسانی هستند که اهل شقاوت و بدبختی‌اند (رک: حقی برسوی، بی‌تا: ۹/۳۱۸). این آیه نیز مانند آیه قبل به جهت اسلوب تعجبی که در آن به کار رفته‌است دارای فشار عاطفی قوی است. البته در نگاهی بسط‌تر، گفته‌پرداز هم‌چنان در حال حرکت در مسیر گستره‌شناختی است.

در آیه بعدی از گروه سوم مردم سخن به میان می‌آید: «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ» ایشان کسانی هستند که از دو گروه قبل مرتبه بالاتری دارند و از آن‌ها برای رسیدن به سعادت پیشی گرفته‌اند. تکرار واژه «السابقون» در آیه به جهت تعظیم است (سیواسی، ۱۴۲۷: ۴/۱۷۸) و این اسلوب بیانی بیشتر به جهت مبالغه در کلام به کار می‌رود (نظام الاعرج، ۱۴۱۶: ۶/۲۳۹) این سخن بدان معنا است که گفته‌پرداز در این آیه هم بر فشار عاطفی تأکید دارد و در عین حال در مسیر بسط و گسترش شناختی نیز حرکت کرده و تلاش می‌کند تا از ذهن مخاطب ابهام‌زدایی کند. در مورد این که سابقون چه کسانی هستند میان مفسران گفتگوهای وجود دارد که به لحاظ تفسیری بودن بحث مجالی فراخ‌تر می‌طلبند (رک: سیوطی، ۱۴۰۴: ۶/۱۵۴؛ شوکانی، ۱۴۱۴: ۵/۱۷۸). در آیه بعد به توصیف «السابقون» پرداخته و می‌فرماید: «أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ» با این عبارت افق‌های جدید شناختی را پیش‌روی مخاطب می‌گشاید چراکه اشاره با کلمه «أُولَئِكَ» به سابقین است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹/۱۲۰).

بدین ترتیب مشاهده می‌شود که در سیاق کنونی از آیات فشار عاطفی آغاز شده و بیان اصناف سه‌گانه مردم در مسیر گسترش شناختی پیش‌می‌رود. یعنی فرآیند تنش‌گفتمان در

و گسترش جهان‌گفته‌ای است؛ هنگامی که از زلزله‌ای هولناک سخن می‌گوید باتکیه بر اوصاف مادی درصدد بسط و گسترش جهان‌گفته‌ای است. در این میان نکته آنست که گسترش و بسط‌شناختی در زمینه اوصاف معنوی بر اوصاف مادی مقدم ذکر شده‌است. بدین ترتیب مشاهده می‌شود بخش دوم از آیات نیز باتکیه بر بعد عاطفی آغاز شده و سپس کلام در مسیر بسط گستره‌شناختی ادامه می‌یابد. در حقیقت فرآیند تنش‌گفتمان در این مجموعه از آیات سیر نزولی را دنبال می‌کند.



شکل ۱۱. الگوی تنش‌سیاق دوم

گفته‌پرداز در ادامه آیات، پس از بیان اوصاف معنوی و مادی در راستای ابهام‌زدایی از واقعه و در راستای بسط گستره‌شناختی، به بیان احوالات افراد می‌پردازد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۹/۳۲۴) و آنان را به سه گروه تقسیم می‌کند: «وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ» این مجموعه از آیات نیز با گفتاری تأکیدی آغاز می‌شود. عبارت «وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً» به دنبال پاسخ‌گویی به چالش ذهنی مخاطب و تقسیم مردم به اصناف سه‌گانه است. در این آیه عبارت «وَكُنْتُمْ» به دنبال جلب‌نظر مخاطب و نشان‌دهنده اوج فشار عاطفی است؛ سپس عبارت «أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً» در حقیقت حرکت در مسیر بسط گستره‌شناختی است. گفته‌پرداز در آیات بعدی در راستای اقناع حس کنجکاوی مخاطب گام برمی‌دارد. ابهام موجود که گفته‌پرداز درصدد رفع آنست که مخاطب خواهد پرسید این اصناف سه‌گانه چه کسانی هستند؟ (نحاس، ۱۴۲۱: ۴/۲۱۶) به همین جهت گفته‌پرداز در ادامه سه دسته از مردم را تبیین کرده و در حقیقت در راستای بسط‌شناختی پیش‌می‌رود؛ گروه اول اصحاب میمنه هستند: «فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ» این جمله به خاطر اینکه حرف «فاء» بر سر دارد فرع جملات قبل است، فرعیتی که

این مجموعه از آیات سیر نزولی دارد.

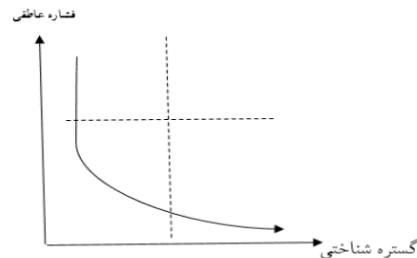
حرکت در مسیر گستره‌شناختی در زمینه غیر فیزیکی (مسائل اخلاقی) نیز در حال رخ دادن است.

گفته‌پرداز در ادامه همچنان در مسیر ابهام‌زدایی حرکت کرده و وصف دیگری از احوالات مقربان در بهشت را توصیف می‌کند: ﴿يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ بِأَكْوَابٍ وَ أَبَارِيقَ وَ كَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ لَا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَ لَا يُنْزِفُونَ﴾. در این جملات از چگونگی پذیرایی در بهشت برای مقربان ابهام‌زدایی صورت گرفته و پسرکانی مخلد در بهشت به‌عنوان خدمه معرفی شده‌اند (عاملی، ۱۴۱۳: ۱ / ۱۸۹؛ زحیلی، ۱۴۲۲: ۱۴ / ۱۶۴).

در ادامه به‌عنوان لایه‌ای پسینی از چگونگی این پذیرایی نیز ابهام‌زدایی صورت گرفته لذا گفته‌پرداز در ادامه توضیح می‌دهد که: ﴿بِأَكْوَابٍ وَ أَبَارِيقَ وَ كَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ﴾ این نوجوانان زیبا با جام‌های پر از شراب طهور که از نهرهای جاری بهشتی برداشته شده در اطراف آن‌ها می‌گردند و آنان را سیراب می‌کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۵ / ۷۳) همچنین گفته‌پرداز در لایه‌ای پسینی تر به توصیف عبارت «كَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ» پرداخته و می‌فرماید: ﴿لَا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَ لَا يُنْزِفُونَ﴾ در این آیه توصیفی از نوشیدنی‌های بهشتی مطرح می‌شود و بیان می‌کند که چنان‌نیست که شراب بهشتی همانند شراب دنیوی سردرد و مستی به‌دنبال داشته‌باشد و عقل را زایل کند (زحیلی، ۱۴۱۱: ۲۷ / ۲۴۹؛ مدرسی، ۱۴۰۶: ۱۴ / ۳۹۶). چنان‌که ملاحظه می‌شود سخن همچنان در مسیر گستره‌شناختی در حال پیش‌روی است.

در ادامه دو نعمت دیگر از نعم بهشتی مخصوص مقربان بیان می‌شود: ﴿وَ فَاكِهِةً مِمَّا يَتَخَيَّرُونَ﴾ و ﴿لَحْمٍ طَيْرٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ﴾ کلمه «فاکيهه» و «طير» در این آیه شریفه عطف‌است بر کلمه «اکواب»، این موضوع یعنی ذکر انواع نعمت‌ها و توالی آن‌ها به‌دنبال هم نشانگر آنست که حرکت همچنان در مسیر گستره‌شناختی ادامه دارد.

گفته‌پرداز در راستای ابهام‌زدایی از احوالات مقربان در بهشت، به توصیف ششمین نعمت از نعم الهی می‌پردازد: ﴿وَ حُورٌ عِينٌ كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ﴾ عبارت «اللؤلؤ المکنون» در این‌جا به‌معنای «لولو مصون» است یعنی همسرانی است که در معرض هیچ‌گونه لمس و نظری نبوده‌اند و در نهایت صفا و طراوت‌اند (کاشانی، ۱۳۳۶: ۹ / ۱۴۵). در این جمله کنایه‌ای از معانی حسی و لطیف در مورد آن همسران وجود دارد (قطب، ۱۴۱۲: ۲ / ۳۴۶۴). چنان‌که ملاحظه می‌شود گفته‌پرداز همچنان با بیان اوصاف مختلف از نعم بهشتی اختصاص یافته به مقربان در مسیر ابهام‌زدایی از احوالات ایشان حرکت و همچنان تلاش می‌کند بر گستره‌شناختی مخاطب بی‌افزاید؛ البته با جمله‌ای



شکل ۱۲. الگوی تنشی سیاق سوم

گفته‌پرداز در ادامه فضای جهان گفته‌ای جدیدی مطابق روی مخاطب قرار می‌دهد و به‌توصیف احوالات مقربین در آیات ۱۱ تا ۲۶ می‌پردازد. این مجموعه از آیات با فشار عاطفی قوی آغاز می‌شود. سه گروه از مردم پیشتر معرفی شده بودند؛ گفته‌پرداز اکنون به تفصیل احوال هریک از این اقوام سه‌گانه را تشریح می‌کند. در ابتدای سخن برای جلب‌نظر مخاطب بیان می‌کند «أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ» که چنان‌که پیشتر نیز بیان گردید این جمله توصیفی است برای گروه سوم یعنی همان «السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ». در ادامه توضیح احوالات این گروه را بیان کرده و در نخستین کلام می‌فرماید: «فِي جَنَّاتٍ النَّعِيمِ». گفته‌پرداز با این عبارت بیان می‌کند که گروه «سابقون» در بهشت‌های نعمت هستند؛ بدین ترتیب درصدد آنست که ابهام‌زدایی کند تا کسی تصور نکند که تقریب و تقرب که در آیه قبل بیان گردید مقوله‌ای جدای از بهشت است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۹ / ۳۲۵).

گفته‌پرداز در ادامه همچنان در مسیر ابهام‌زدایی حرکت کرده لذا وصف دیگری از مقربان را بیان می‌کند: ﴿ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأُولَئِينَ وَ قَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ﴾ واژه «ثله» از نظر معنایی به‌مفهوم «جماعت» است و منظور از آن جماعتی است که تعداد آن مشخص نباشد (ابن جوزی، ۱۴۰۷: ۴ / ۲۲۰). لازم به‌ذکر است که مفسرین در مورد دو واژه «اولین» و «آخرین» گمانه‌زنی‌هایی داشته و بحث‌های تفسیری درازدامنی را ارائه کرده‌اند (رک: ماوردی، بی‌تا: ۵ / ۴۴۹؛ رازی، ۱۴۲۰: ۲۹ / ۳۲۹).

گفته‌پرداز در ادامه مسیر ابهام‌زدایی، وصف دیگری از «مقربین» را بیان می‌کند: ﴿عَلَى سُرُرٍ مَوْضُونَةٍ مُتَّكِنِينَ عَلَيْهَا مُتَقَابِلِينَ﴾ در این عبارت توجه به‌واژه «متقابلین» نشان‌دهنده چگونگی نشستن مقربین است و از نحوه نشستن ابهام‌زدایی کرده و بیان می‌کند که ایشان روبروی هم هستند نه اینکه پشت‌سرهم باشند (مکی، ۱۴۲۹: ۱۱ / ۷۲۶۱)؛ بدین ترتیب

بیان اوصاف و احوال اصحاب یمین در بهشت می‌پردازد و سعی دارد که ابهامات موجود در زمینه چگونگی احوالات آن‌ها را برطرف سازد لذا به‌عنوان اولین توصیف می‌گوید: ﴿فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ * وَ طَلْحٍ مَّنْضُودٍ﴾ در این عبارت از دو درخت به‌عنوان نعم بهشتی یاد می‌شود. «سدر» نام درختی است که میوه آن را عرب «نبق» و فارس «کنار» می‌نامد؛ «مخضود» هر شاخه‌ای است که تیغش بریده شده است، و دیگر خار در آن نباشد (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۶۳ / ۳). کلمه «طلح» در عبارت «وَ طَلْحٍ مَّنْضُودٍ» نام درخت موز است. شایان توجه است که کاربرد چنین توصیفات برای بیان مبالغه در تنعم است (صدیق‌خان، ۱۴۲۰: ۱۶ / ۵۲۹).

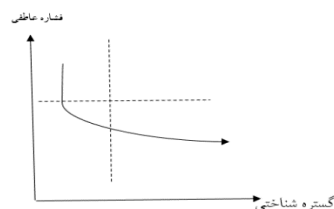
در وصف بعدی گفته‌پرداز به نعمتی دیگر اشاره می‌کند: «وَ ظِلٌّ مَّمْدُودٌ» سومین نعمت بهشتی ویژه اصحاب یمین، سایه کشیده و گسترده است. برخی از مفسرین این سایه گسترده را به حالتی شبیه بین‌الطلوعین تفسیر کرده‌اند که سایه همه جا را فرا گرفته است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۳ / ۲۲۲). نعمت دیگری که در راستای بسط جهان‌شناختی از اوصاف نعم ویژه «اصحاب یمین» و احوالات آن‌ها از آن یاد می‌شود عبارت «وَ مَاءٍ مَّسْكُوبٍ» است. «مسکوب» از ماده «سکب» در اصل به‌معنی ریزش است (طریحی، ۱۳۷۵: ۲ / ۸۳) و از آن‌جا که ریزش آب از بالا به پایین به‌صورت آبشار بهترین مناظر را ایجاد می‌کند، زمزمه‌های آن گوش جان را نوازش می‌دهد و منظره آن چشم را فروغ بخشیده و پایانی ندارد (مغنیه، ۱۴۲۴: ۷ / ۲۲۳). نعمت بعدی که از آن به‌عنوان نعم بهشتی در اختیار اصحاب یمین یاد می‌شود عبارت است از ﴿وَ فَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ * وَ لا مَقْطُوعَةٍ وَ لا مَمْنُوعَةٍ﴾ میوه‌هایی که از لحاظ مقدار و هم از لحاظ کیفیت فراوان هستند و شباهتی به درختان دنیوی ندارند که گاه ثمر بدهند و گاهی بی‌ثمر باشند و البته در دسترس همگان قرار دارند (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۴ / ۱۴۱).

در ادامه گفته‌پرداز درصدد است تا از احوالات اصحاب یمین بیشتر رفع ابهام کند. لذا در عبارات بعدی از نعمتی دیگر سخن به‌میان می‌آورد: ﴿وَ فُرْشٍ مَّرْفُوعَةٍ * اِنَّا اَنْشَاْنَهُنَّ اِنْشَاءً * فَجَعَلْنَاهُنَّ اَبْكَارًا * عُرْبًا اَتْرَابًا﴾ واژه «فرش» جمع فرش است، که به‌معنای گسترده‌تری است، و کلمه «مرفوعه» به‌معنای عالی و بلند است. گفته‌پرداز در آیات بعد توضیح می‌دهد که ما آن زنان را به‌صورت ویژه‌ای ایجاد و تربیت کردیم! در این آیه اشاره‌ای هم به این نکته هست که وضع زنان بهشتی از نظر جوانی و پیری و زیبایی و زشتی اختلاف ندارد و معنای این که فرمود: ﴿فَجَعَلْنَاهُنَّ اَبْكَارًا﴾ به این معناست که ما

تأکیدی بیان می‌کند که همه این نعم پاداش اعمالی است که مقربان در دنیا انجام می‌داده‌اند: ﴿جَزَاءٌ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾.

گفته‌پرداز هفتمین و آخرین وصف از نعم ویژه مقربان را چنین توصیف می‌کند: ﴿لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَ لا تَأْتِيْمًا * اِلَّا قِيْلًا سَلَامًا سَلَامًا﴾ آنها در باغ‌های بهشت نه لغو و بیهوده‌ای می‌شنوند، نه سخنان گناه‌آلود! این وصف رویکرد عمدتاً معنوی دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۳ / ۲۱۶) به‌بیانی دیگر در بهشت هیچ یک از مقربین با دیگری سخنی نمی‌گوید مگر آن سخن دارای فایده‌ای باشد (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۲۱ / ۳۳۰).

چنان‌که ملاحظه می‌شود سخن هم‌چنان در مسیر گستره‌شناختی به پیش‌رفته و سعی در ابهام‌زدایی دارد. بدین ترتیب این مجموعه از آیات با فشار عاطفی آغاز شده و با بیان اصناف در مسیر گسترش شناختی پیش‌می‌رود و با اوصافی که گفته‌پرداز در مورد مقربین بیان می‌کند به‌اتمام می‌رسد و در ادامه کلام سخن به بیان اوصاف گروه دوم یعنی اصحاب یمین اختصاص دارد. در شکل زیر به خوبی قابل مشاهده است که این بخش از آیات اگرچه با فشار عاطفی بالا شروع می‌شود اما به‌زودی حرکت خود را در مسیر گستره‌شناختی ادامه داده و از میزان فشار عاطفی کلام کاسته شده است. به‌بیان دیگر فرآیند تنشی‌گفتمان در این مجموعه از آیات سیر نزولی دارد.



شکل ۱۳. الگوی تنشی سیاق چهارم

گفته‌پرداز در ادامه در آیات ۲۸-۴۰ سوره واقعه، فضای جهان‌گفته‌ای جدیدی پیش‌روی مخاطب قرار می‌دهد و به توصیف احوالات «اصحاب یمین» می‌پردازد. این مجموعه از آیات با فشار عاطفی قوی آغاز می‌شود. در ابتدای سخن برای جلب‌نظر مخاطب بیان می‌کند که: ﴿وَ اصْحَابُ الْيَمِينِ مَا اصْحَابُ الْيَمِينِ﴾ پیشتر بیان شد که در زبان عربی اسلوب «ما هم وای شئی هم» برای بیان تعجب به‌کار می‌رود. چنان‌که ملاحظه می‌شود این اسلوب در این آیه نیز به‌کار رفته است (میبیدی، ۱۳۷۱: ۹ / ۴۴۲) و بدین ترتیب سخن گفته‌پرداز در این عبارت با فشار عاطفی قوی همراه است. در ادامه گفته‌پرداز به

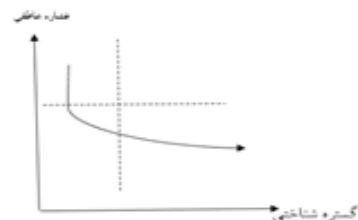
در ادامه گفته‌پرداز به بیان اوصاف و احوال اصحاب شمال در جهنم پرداخته و سعی دارد که ابهامات موجود در زمینه‌ی چگونگی احوالات آنها را برطرف سازد لذا به‌عنوان اولین توصیف می‌گوید: ﴿فِي سَمُومٍ وَ حَمِيمٍ* وَ ظِلٌّ مِّنْ يَّحْمُومٍ* لَا بَارِدٍ وَ لَا كَرِيمٍ﴾ گفته‌پرداز در این آیات، در حقیقت یکی از نعم جهنم را بازگو می‌کند. واژه «سموم» به‌معنای حرارت آتش است که درمسام بدن یعنی سوراخ‌های ریز بدن فرورود (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۲۰۶/۷). کلمه «حمیم» به‌معنای آب بسیار داغ است. نکته شایان توجه در این دو کلمه، تنوین در آخر هر دو واژه است که عظمت این دو واژه را می‌رساند (طباطبایی، ۱۴۰۲: ۱۲۴/۱۹) و این دقیقاً همان فشارقوی عاطفی مورد نظر گفته‌پرداز است.

گفته‌پرداز در ادامه در مقام اقامه دلیل برآمده و بیان می‌کند که دلیل گرفتاری در این عذاب چه بوده است: ﴿إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ* وَ كَانُوا يُصْرُونَ عَلَى الْجَنَّةِ الْعَظِيمِ* وَ كَانُوا يَقُولُونَ أ إِذَا مِتْنَا وَ كُنَّا تُرَابًا وَ عِظَامًا أ إِنَّا لَمَبْعُوثُونَ* أ وَ أَبَاؤُنَا الْأَوْلُونَ* لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ﴾ در این سیاق از آیات سه دلیل مترف‌بودگی، اصرار بر حنث عظیم و تردید در معاد به‌عنوان دلایلی برای گرفتارشدن در عذاب ذکر می‌شود. طرح این سه دلیل بسط گفتاری است که از سوی گفته‌پرداز رخ داده است. لازم به‌ذکر است بحث تفصیلی در مورد واژه‌شناسی و یا مقولات تفسیری این چندآیه خارج از مجال این پژوهش به‌شمار می‌آید.

گفته‌پرداز در ادامه، بسط گفتاری خود را بیش‌ازبیش گسترش داده و در مقام پاسخ به اندیشه گروه سوم یعنی منکران معاد بر می‌آید: ﴿قُلْ إِنْ الْأَوَّلِينَ وَ الْأَخِيرِينَ* لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ﴾ و این بسط را در آیات بعد نیز ادامه می‌دهد: ﴿ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيُّهَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ﴾ در این عبارت بسط گفتاری با عبارتی خطابی که «ایها» حکایت از آن دارد، آغاز می‌شود. هم‌چنین بسط گفتاری عبارت با مخاطب قرار دادن «ضالون» ادامه می‌یابد؛ افزوده شدن وصف «مکذبون» به «ضالون» از آن جهت که درصدد رفع ابهام بیشتر از ذهن مخاطب است، بسط گفتاری بیشتری را رقم می‌زند.

گفته‌پرداز در آیات بعدی یعنی آیات ﴿لَاكُلُّونَ مِنْ شَجَرٍ مِّنْ زُقُومٍ* فَمَا لُونُ مِنْهَا الْبُطُونَ* فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ* فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهَيْمِ* هَذَا نَزَّلْنَاهُمْ يَوْمَ الدِّينِ﴾ به توصیف احوال اهل جهنم پرداخته و با تلاش برای ابهام‌زدایی در مسیر گستره و بسط گفتاری پیش می‌رود. بدین ترتیب این مجموعه از آیات نیز همانند مجموعه آیات قبل، با فشار عاطفی آغاز شده و در ادامه

زنان بهشتی را همیشه بکر قرار داده‌ایم. کلمه «عرب» جمع عرب است، واژه «عروب» به‌معنای زنی است که به شوهرش عشق می‌ورزد و یا حداقل او را دوست می‌دارد و در برابرش ناز و کرشمه داشته‌باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹/۱۲۳). خاتمه کلام در این بخش توصیفی تأکیدی است که بیان می‌کند همه این نعمت‌ها ویژه اصحاب یمین است: ﴿لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ*﴾ گفته‌پرداز در ادامه در راستای گستره‌ی جهان‌شناختی، سعی می‌کند که در مورد آحاد تشکیل‌دهنده اصحاب یمین نیز ابهام‌زدایی کند لذا می‌فرماید: ﴿ثَلَاثَةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ* وَ ثَلَاثَةٌ مِّنَ الْآخِرِينَ﴾ توضیح درمورد این دو عبارت و به‌ویژه واژه «ثلاثة» قبلاً بیان گردید. بدین ترتیب این مجموعه از آیات نیز همانند مجموعه آیات قبل، با فشار عاطفی آغاز شده و در ادامه با بیان اوصافی از احوالات «اصحاب یمین» درصدد ابهام‌زدایی از ذهن مخاطب و گسترش فضای جهان‌گفته‌ای است. در شکل زیر به خوبی قابل مشاهده است که این بخش از آیات اگرچه با فشار عاطفی بالا شروع می‌شود اما به‌زودی حرکت خود در مسیر گستره‌شناختی را ادامه داده و از میزان فشار عاطفی کلام کاسته شده‌است. به‌دیگرسخن فرآیند تنشی گفتمان در این مجموعه از آیات سیر نزولی دارد.



شکل ۱۴. الگوی تنشی سیاق پنجم

گفته‌پرداز در ادامه، فضای جهان‌گفته‌ای جدیدی پیش‌روی مخاطب قرار داده و در آیات ۴۱ تا ۵۶ سوره واقعه به‌توصیف احوالات «اصحاب شمال» که همان جهنمیان هستند، می‌پردازد. اصحاب شمال در آیات پیشین به‌عنوان یکی از گروه‌های سه‌گانه مردم معرفی شده بودند. این مجموعه از آیات همانند سیاق قبل، با فشار عاطفی قوی آغاز می‌شود. گفته‌پرداز در ابتدای سخن برای جلب‌نظر مخاطب بیان می‌کند که: ﴿وَ أَصْحَابُ الشَّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشَّمَالِ﴾ (واقعه/ ۴۱ و ۴۲). به‌دلایل پیشتر بیان‌شده در مورد اسلوب «ما هم وای شئ هم» در این مجموعه از آیات سخن گفته‌پرداز با فشار عاطفی قوی همراه است.

آنجا که حرف «فاء» بر سر جمله مذکور آمده استفاده می‌شود جمله قبلی تعلیل این جمله‌است، و خلاصه می‌فهماند اینکه شما را تشویق می‌کنیم به تصدیق معاد، و دست برداشتن از تکذیب و انکار آن، علتش این است که آخر ما خالق شما هستیم (ابی سعود، ۱۹۸۳: ۸ / ۱۹۶). دو آیه بعدی در راستای حرکت در جهت بسط گفتاری بیان شده‌است: ﴿أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ﴾ آتَمُّ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ (واقعه / ۵۸ و ۵۹).

آیات بعدی یعنی آیات ۶۰ تا ۶۲ سوره واقعه از الگوی تکرار شونده آیات پیشین تبعیت می‌کند و گفته‌پرداز دقیقاً همان الگوی تنشی قبل را تکرار کرده است؛ یعنی آیات با فشار عاطفی قوی شروع شده و در گستره کلام امتداد می‌یابد. چنان‌که پیشتر بیان گردید نشانه آغاز با فشار قوی تأکید بر عبارت با استفاده از واژه «نحن» است و این تأکیدی است برای آنکه هیچ کس جز خداوند توان انجام این کار را ندارد (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴ / ۴۶۵).

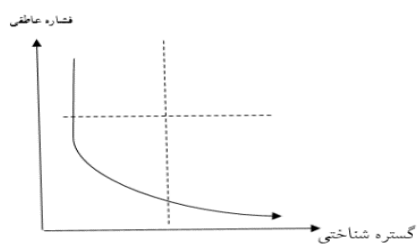
آیات بعدی یعنی آیات ۶۳ تا ۶۷ سوره واقعه نیز از الگوی تکرار شونده پیشین پیروی می‌کند و گفته‌پرداز سخن را با فشار عاطفی قوی شروع کرده و در گستره ادامه می‌دهد. توجه به این نکته ضروری است که در این مجموعه از آیات، آنچه نشانگر فشار عاطفی قوی است چراکه آغاز سخن با جمله استفهامیه است؛ چنان‌که مفسرین بیان کرده‌اند این‌گونه سخن گفتن در سیاق امتنان است (ابن جوزی، ۱۴۰۷: ۴ / ۲۲۶). به نظر می‌رسد گفته‌پرداز از این طریق سعی در ایجاد ابهام و چالش برای گفته‌یاب دارد.

همانند مجموعه آیات قبل در آیات ۶۸ تا ۷۰ گفته‌پرداز سخن را با فشار عاطفی قوی شروع کرده و در گستره ادامه می‌دهد. در این سیاق هم، جمله استفهامیه آغازین نشانگر فشار قوی عاطفی در ابتدای سخن است. شبه جمله «الذی تشریون» یک جمله وصفیه است که گفته‌پرداز آن را برای اسم علم «ماء» به کار می‌برد (ابوحیان، ۱۴۰۷: ۱۰ / ۸۲) از آنجا که آب گوارار مورد شناخت همگان می‌تواند باشد؛ چگونگی طرح این سوال در آغاز این جملات در ایجاد چالش ذهنی نقش دارد.

همانند دو سیاق قبلی در آیات ۷۱ تا ۷۳ سوره واقعه گفته‌پرداز سخن را با فشار عاطفی قوی شروع کرده و در گستره ادامه می‌دهد. در این سیاق هم، جمله استفهامیه آغازین نشانگر فشار قوی عاطفی است (رک: مغنیه، ۱۴۲۴: ۷ / ۲۲۹).

این مجموعه از آیات به عبارت «فسبح...» ختم می‌شود. این عبارت بیان‌کننده آنست که کلام با فشار عاطفی قوی تمام می‌شود. به عبارت دیگر شاید بتوان گفت، گفته‌پرداز با فشار

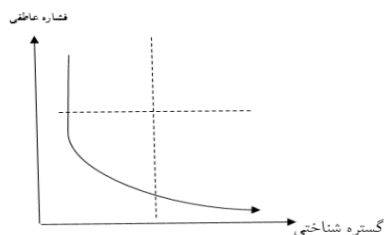
با بیان اوصافی از احوالات «اصحاب شمال» در صدد ابهام‌زدایی از ذهن مخاطب است. در شکل زیر به خوبی قابل مشاهده است که این بخش از آیات اگرچه با فشار عاطفی بالا شروع می‌شود اما به‌زودی حرکت خود در مسیر گستره‌شناختی را ادامه داده و از میزان فشار عاطفی کلام کاسته شده‌است. بنابراین فرآیند تنشی گفتمان در این مجموعه از آیات سیر نزولی دارد.



شکل ۱۵. الگوی تنشی سیاق ششم

گفته‌پرداز در ادامه، با تغییر سیاق کلام، فضای جهان گفته‌ای جدیدی مطابق روی مخاطب می‌دهد؛ بدین معنا که گفته‌پرداز روی سخن خود را تغییر می‌دهد. به بیان دیگر آیه انتهایی بخش پیشین با ضمیر «هم» یعنی ضمیر غایب در عبارت ﴿هَذَا نَزَلْنَاهُمْ يَوْمَ الدِّينِ﴾ به پایان می‌رسد؛ در سیاق جدید، گفته‌پرداز کلام خود را با ضمیر مخاطب «کم» در عبارت ﴿نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْ لَا تُصَدِّقُونَ﴾ آغاز کرده و تا حدود ۱۵ آیه بعد ادامه می‌یابد. تغییر ضمیر نشانگر فشار عاطفی بالا در بخش ابتدایی از سخن است.

آیات ﴿نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْ لَا تُصَدِّقُونَ﴾ آفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ﴾ آتَمُّ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ (واقعه / ۵۷-۵۹) این مجموعه از آیات، با فشار عاطفی قوی آغاز می‌شود. گفته‌پرداز در ابتدای سخن برای جلب نظر مخاطب بیان می‌کند: ضمیر «نحن» در جمله «نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ» تقدیم مسند بر مسندالیه است افاده حصر می‌کند؛ افزون‌براین در «خَلَقْنَاكُمْ» تغلیب روی داده است (قونوی، ۱۴۲۲: ۱۸ / ۴۰۹)؛ بدین معنا که ما شما را آفریدیم نه غیر از ما! (خطیب شربینی، ۱۴۲۵: ۴ / ۱۹۹) و این عبارت به جهت تشویق و ترغیب بر تصدیق به کاررفته است (ابوحیان، ۱۴۰۷: ۲ / ۱۰۵۵). همه این موارد حکایت از آن دارد که گفته‌پرداز در این بخش از سخن، کلام خود را با فشار عاطفی مضاعف آغاز کرده و سپس برگستره کلام می‌افزاید. در ادامه جمله «فَلَوْ لَا تُصَدِّقُونَ» تحریک و تشویق به تصدیق مساله معاد و ترک تکذیب آن است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹ / ۱۳۲)؛ از



شکل ۱۷. الگوی تنشی سیاق پایانی

نتیجه گیری و پیشنهادها

واکوی‌های انجام‌شده در این پژوهش می‌تواند دست‌آوردی باشد که زیر را به‌دنبال داشته باشد:

- تحلیل فرآیند گفتمانی در یک سوره در حد و جایگاه خود نشانگر آنست که مطالعه معنا در قرآن کریم به‌عنوان متن موثق دینی از جایگاه و اهمیت زیادی برخوردار است و می‌تواند شیوه‌های مطالعاتی سنتی را گسترش دهد.

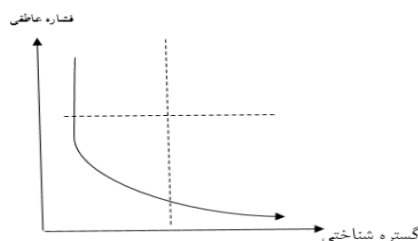
- از دیدگاه تنشی ساختار سوره واقعه به‌گونه‌ای است که در هر سیاق سخن با فشار عاطفی قوی آغاز شده و به تدریج در مسیر گسترش فضای جهان گفته‌ای پیش‌می‌رفته و ابهام‌زدایی می‌کند. این روند ممکن است در سایر سوره‌ها رخ نداد و نیازمند بررسی است.

- به‌طور کلی از دیدگاه تنشی ساختار سوره به‌صورت کلی آن مطابق با الگوی نزولی و در جهت گسترش گفتمان و اقتناع مخاطب پیش‌می‌رود. بجز در آیات پایانی و سیاق انتهایی سخن با صعود احساسات و فشار عاطفی آغاز شده و پس از گسترش در مسیر گفتمانی مجدداً در همان حالت صعود خاتمه می‌یابد.

- در این سوره، در سیاق‌های متوالی فرآیند گفتمان همواره در جایگاه «خود» گفته‌پرداز قرار دارد و مخاطب یا گفته‌یاب مرتباً با چالش‌های جدیدی روبه‌رو شده و سپس برای با مطرح شدن دلالت‌ها و نشانه‌ها گسترش فضای گفتمانی رخ داده و مسیر حرکت سوره به‌سمت اقتناع مخاطب پیش‌می‌رود.

عاطفی کلام را آغاز کرده، جهان گفتمانی را گسترش داده و در ادامه سخن را با فشار عاطفی ختم شده می‌نماید.

پیشتر بیان شد که سیاق اخیر مجموعه‌ای متشکل از ۱۵ آیه است که با عبارت «نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْ لَا تُصَدِّقُونَ» آغاز شده و با عبارت «فسبح...» تمام می‌شود. به‌نظر می‌رسد در مجموع، این سیاق نیز همانند سیاق‌های چهارگانه قبل (آیات ابتدایی، مقربون، اصحاب یمین، اصحاب شمال) با فشار قوی عاطفی آغاز و در ادامه در مسیر بسط کلام پیش‌می‌رود.



شکل ۱۶. الگوی تنشی سیاق هفتم

از آیه ۷۵ تا پایان سوره گفته‌پرداز جهان گفته‌ای دیگری را مقابل خواننده قرار می‌دهد. این مجموعه از آیات با عبارت استفهامی «فَلَا أُنسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ» (واقعه/۷۵) آغاز شده و در ادامه در عبارتی تأکیدی برای تقویت سخن (حائری تهرانی، ۱۳۳۸: ۱۱ / ۳۶) می‌فرماید «وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لِّوَيْتَلَمُونَ عَظِيمٌ» (واقعه/ ۵۸) و پس از مرور مباحث مطرح‌شده در کل سوره، به‌اتمام می‌رسد. خداوند با خطاب قرار دادن مردم به‌عنوان صاحب سخن وارد میدان شده و با جمله‌ای استفهامی ذهن مخاطب را به‌چالش می‌کشد (رک: آیه ۱۵) در این آیات گفته‌یاب در حالت ابهام به‌سر می‌برد و رغبت بیشتری برای شنیدن پایان کلام پیدا می‌کند. این بخش نیز همانند بخش قبل با فشار عاطفی قوی شروع شده، جهان گفته‌ای گسترش یافته و سپس با فشار عاطفی قوی پایان می‌یابد. فرآیند تنشی در این سیاق سیری نزولی و به‌دنبال آن صعودی دارد.

منابع

- قرآن کریم
- ابن جزئی، محمد بن احمد (۱۴۱۶). التسهیل لعلوم التنزیل، بیروت: دارالارقم بن ابن الارقم.
- ابن جوزی، عبدالرحمان بن علی (۱۴۰۷). زاد المسیر، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر.
- ابن قتیبہ، محمد بن مسلم (۱۴۱۱). تفسیر غریب القرآن، بیروت: دارو مکتبۃ الہلال.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر.

- ابوحنان، محمد بن یوسف (۱۴۰۷). البحر المحيط، بیروت: دارالجنان.
- ابی سعود، محمد بن محمد (۱۹۸۳). تفسیرابی سعود، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- آوسی، محمود (۱۴۱۵). روح المعانی، بیروت: دارالکتب العلمیه،
- اندلسی، ابوحنان (۱۴۲۰). البحر المحيط فی التفسیر، بیروت: دارالفکر.
- پاکتچی، احمد؛ شعیری، حمیدرضا، رهنما، هادی (۱۳۹۴). تحلیل فرآیندهای گفتمانی در سوره «قارعه»، با تکیه بر نشانه‌شناسی تنشی، جستارهای زبانی، دوره ۶، شماره ۴، ۴۷-۷۲.
- حائری تهرانی، علی (۱۳۳۸). مقتنیات الدرر، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی (بی تا). تفسیر روح البیان، بیروت: دارالفکر.
- خطیب شربینی، محمد بن احمد (۱۴۲۵). السراج المنیر، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰). مفاتیح الغیب، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- رهنما، هادی (۱۳۹۲). از کرامت جاهلی تا کرامت قرآنی (نشانه‌شناسی فرآیند گفتمانی کرامت در قرآن با تاکید بر الگوی تنشی). پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن؛ شماره ۲، ۲۴-۴۲.
- زحیلی، وهبه بن مصطفی (۱۴۲۲). تفسیر الوسیط، دمشق: دارالفکر.
- زحیلی، وهبه (۱۴۱۱). تفسیر المنیر، بیروت: دارالفکر.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷). الکشاف، بیروت: دارالکتب العربی.
- سمرقندی، نصر بن محمد (۱۴۱۶). بحر العلوم، بیروت دارالفکر.
- سیواسی، احمد بن محمود (۱۴۲۷). عیون التفاسیر، بیروت: دارصادر.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴). الدر المنثور، قم: کتابخانه حضرت آیه الله مرعشی نجفی.
- شریفی، حدیث؛ نجم الدین، فواد (۱۳۹۹). تحلیل نشانه‌شناختی گفتمانی سوره الرحمان (مبتنی بر الگوی تنشی)؛ پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن؛ شماره ۵؛ ۴۷-۷۲.
- شعیری، حمیدرضا (۱۳۹۵). نشانه معناشناسی ادبیات: نظریه و روش تحلیل گفتمان ادبی، تهران: مرکز نشر آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس
- شوکانی، محمد بن علی (بی تا). فتح القدر، بی تا، بی جا.
- صدیق خان، محمد صدیق (۱۴۲۰). فتح البیان فی مقاصد القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷). المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). مجمع البحرین، تهران: کتابفروشی تهران.
- عاملی، علی بن حسین (۱۴۱۳). الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، قم: دارالقرآن الکریم.
- عباسی، علی؛ یارمند، هانیه، (۱۳۹۰). عبور از مربع معنایی به مربع تنشی بررسی نشانه معناشناختی ماهی سیاه کوچولو، پژوهش‌های زبان و ادبیان تطبیقی، شماره ۲، ۱۴۷-۱۷۲.
- فخررازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰). تفسیر کبیر، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰). کتاب العین، قم: انتشارات هجرت.
- فضل الله، محمد حسین (۱۴۱۹). من وحی القرآن، بیروت: دارالملاک للطباعة و النشر.
- قشیری، عبدالکریم بن حوازن (۲۰۰۰). لطائف الاشارات، قاهره: الهيئة المصریه.
- قطب، سید (۱۴۱۲). فی ظلال القرآن، بیروت: دارالشروق.
- _____ (۲۰۰۷). مشاهد القیامه، قاهره دارالشروق.
- قونوی، اسماعیل بن محمد (۱۴۲۲). حاشیه القونوی علی تفسیر الإمام البیضاوی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- کاشانی، ملافتح الله (۱۳۳۶). منهج الصادقین، تهران: کتابفروشی علمی.
- ماتریدی، محمد بن محمد (۱۴۲۶). تاویلات اهل سنت (تفسیر ماتریدی). بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ماوردی، علی بن محمد (بی تا). النکت و العیون، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- مدرسی، محمد تقی (۱۴۰۶). من هدی القرآن، قم: دارالهدی.
- مراغی، احمد مصطفی (بی تا). تفسیر المراغی، بیروت: دارالفکر.
- مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴). الکاشف، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مکی، بن حموش (۱۴۲۹). الهدایة الی بلوغ النهایة، الشارجه: جامعه الشارجه.
- میبیدی، احمد بن محمد (۱۳۷۱). کشف الاسرار، تهران: امیرکبیر.
- نحاس، احمد بن محمد (۱۴۲۱). اعراب القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- نظام الاعرج، حسن بن محمد (۱۴۱۶). غرائب القرآن و رغائب الفرقان، بیروت: دارالکتب العلمیه.

- Fontanille, J. (2006). *The Semiotics of Discourse*. Heidi Bostic (Trans.). New York: Peter Lang.
- نهانندی، محمد (۱۳۸۶). *نفحات الرحمان، قم: موسسه البعثه.*
- Fontanille, Jacques (1998). *Sémiotique du discours*, Limoges: PULIM, P21